

۲۴

گنجینه

گزیده بیانات آیت‌الله عابدینی

در برنامه تلویزیونی سروش آسمانی

۳ بهمن ماه ۱۳۹۹



سازمان مجرب قزوین

اشاره

نشریه ذکر جمعه با هدف انتشار گزیده بیانات آیت الله عابدینی، نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین، جمعه هر هفته به صورت الکترونیکی از طریق شبکه های اجتماعی ستاد نماز جمعه منتشر می گردد.

لازم به ذکر است متن بیانات امام جمعه محترم، با حذف و اضافات و ویرایش همراه است و سعی شده است جهت مطالعه و بهره جویی هرچه بهتر مخاطبین گرامی، اهم محورها ارائه گردد.



«اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد
وآله الطاهرين».

از خدای متعال می‌خواهیم که برکات روز
جمعه، برکات عبادت و بندگی و برکات انتظار
ظهور «قلب عالم امکان» را روزی دل‌های ما
قرار بدهد.

آماده‌سازی پیامبر ﷺ برای امری مهم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
به نام خداوند رحمتگر مهربان
يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ ﴿١﴾

ای جامه به خویشتن فروپچیده (۱)
قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾
به پا خیز شب را مگر اندکی (۲)

نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾

نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه (۳)

أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾

یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده

بخوان (۴)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾

در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گران بار

القما می‌کنیم (۵)

خدای متعال (در سوره مبارکه مزمل)

می‌خواهد پیامبرش را برای امر مهمی آماده

کند؛ برای پذیرش وحی و پذیرش بار سنگین

کتاب خدا و کلام خدا. برای این آمادگی، به

رسول خدا می‌گوید: «یا أيها المزمّل» و

نمی‌فرماید «یا أيها النبی»، «یا أيها الرسول».

منظور از «مزمّل»، پارچه یا لفافه‌ای است

که حضرت به خودش پیچیده بود. بعضی

می‌گویند ممکن است معنای آن، همان جامه







و کسوت رسالت باشد که خدا بر تن رسول خدا ﷺ کرده است و به او می‌گوید آماده باش. «قم الليل إلا قليلاً»: یعنی قسمت کمی از شب را برای استراحت بگذار و بقیه آن را قیام کن. «نصفه أو انقص منه قليلاً»: نصف شب یا کمی از نصف کمتر را برای عبادت بگذار. «أو زد عليه و رتل القرآن ترتيلاً»: یا کمی بیشتر و قرآن را با آرامش بخوان. «إنا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً»: ما می‌خواهیم آن «قول ثقیل» را برای تو بفرستیم. یعنی تو که می‌خواهی این بار سنگین رسالت را به عهده بگیری، باید شب خودت را آماده کنی و روحت برای پذیرش این حقیقت مهیا باشد.

نماز شب، ماندگارترین قول است

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾

قطعاً برخاستن شب، رنجش بیشتر و گفتار [در

آن هنگام [راستین تر است (مزمّل: ۶)].
«ناشئه» یعنی پدیده. پدیده شب که منظور
از آن، نماز شب است، شدیدترین استحکامات
را دارد و ماندگارترین قول است. یعنی هم از
نظر عملی و هم از نظر گفتاری تو را هماهنگ
می‌کند، روح حکمت را در تو بیدار می‌کند و
اصالت‌های انسانی را در تو تثبیت می‌کند.

قیام شبانه، پشتوانه حرکت روزانه

﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾

[و] تو را در روز، آمدوشدی دراز است (مزمّل: ۷).
تو در روز خیلی مشغول هستی. این مشغولیت
و دوندگی روز باید پشتوانه قیام شبانه داشته
باشد تا در طول روز بتوانی درست حرکت کنی،
ناامید نشوی، طغیان و ظلم نکنی و برای ادامه
کار احساس ضعف و ناتوانی در تو نباشد. قوت،
استحکام، مقاومت و استقامت لازم را باید از نماز



شب بگیری. همان طور که خداوند می فرماید:
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ
إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نمازیاری
جوئید؛ زیرا خدا با شکیبایان است (بقره: ۱۵۳).

وقتی نیروی بیشتری لازم داریم، باید نماز و
روزه‌هایمان را بیشتر کنیم و نمازهای مستحبی
را هم به نمازهای واجب بیفزاییم تا بر نیرو،
استقامت، دقت نظر، فرقان و تشخیصمان
افزوده شود. هرچقدر که به ذکر، عبادت و
معنویت روی بیاوریم، به همان اندازه بصیرت
پیدا می‌کنیم، فهممان رشد می‌کند، عقلمان
دقیق می‌شود و مرزهای ظریف بین حق و
باطل را می‌فهمیم. گفته‌اند پل صراط از مو
باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر است. این پل
در مسیر یک جاده است، زیرا در بیابان که پل
نمی‌زنند. آن جاده در همین دنیا هم هست.



در این دنیا نیز در جاده خلی دققی حرکت می‌کنیم که از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر است، پس باید تیزبینی و بصیرتی داشته باشیم که بتوانیم به درستی حرکت کنیم، اشتباه نکنیم، جای دوست و دشمن را عوض نکنیم، اگر بین جلاد و مظلوم جابه‌جایی کردند، این را بفهمیم و شیطنت شیطان را دریابیم. این همه تیزبینی و بصیرت باید در عبادت شبانه و ذکر و رازونیا با خدا، به عنوان سرمایه در جان ما ایجاد شود. پایداری و سخن ماندگار از نماز شب به دست می‌آید. نماز شب به انسان بصیرت و استقامت می‌دهد. ما در مواجهه با مشکلات و پایداری و حمایت از حق، خسته می‌شویم یا هجمه‌هایی به ما می‌شود. برای اینکه از پا در نیاییم و امیدمان را از دست ندهیم، استقامت لازم داریم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ



عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا
بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۳۰﴾

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند:] «هان، بیم مدارید و غمگین م باشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید» (فصلت: ۳۰).

کسی که به نماز شب مبادرت می‌ورزد، مصداق «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» می‌شود و استقامت را از آنجا کسب می‌کند. انسان وقتی با نماز شب سروکار پیدا کرد، با قرآن نیز سروکار پیدا می‌کند. این همه آیات امیدبخش قرآنی داریم که آینده بسیار روشنی را برای هر انسانی در هر زمانه‌ای ترسیم کرده است. چقدر با این آیات آشنا هستیم؟ اگر با این آیات امیدبخش زندگی کنیم، زندگی مان طور دیگری می‌شود، در اوج فشارها و سختی‌ها احساس راحتی

می‌کنیم و در اوج حمله‌ها و هجمه‌ها هیچ نگران نیستیم. وقتی امام رحمته‌الله‌علیه از فرانسه به ایران برمی‌گشتند (که به یادبود آن ایام نزدیک می‌شویم)، در هواپیما نماز شب خودشان را ترک نکردند. خبرنگاری می‌گوید موقع نماز شب که شد، ایشان روی صندلی هواپیمای در حال پرواز، در آسمان نماز شب خودشان را به جای آوردند. بعد همانجا خبرنگار دیگری پرسید شما چه احساسی دارید. زیرا ممکن بود هواپیما را در آسمان منفجر کنند و تهدید هم کرده بودند، یا به محض اینکه هواپیما فرود آمد، تمام افراد آن را به رگبار ببندند یا دستگیر کنند و به زندان ببرند. احتمالات خیلی خطرناکی وجود داشت اما امام رحمته‌الله‌علیه در پاسخ به سؤال آن خبرنگار که گفت شما چه احساسی دارید، گفت: «هیچ!». یعنی من راحت هستم. آن نماز شب او را راحت کرده بود. منظور ایشان این بود که هیچ

احساس منفی ندارم؛ وگرنه قطعاً امام حجرتنا علیه السلام بسیار خوشحال بود که مردم را خواهد دید. مردم ایران که انتظار او را می کشیدند. ایشان احساس معنوی فوق العاده داشتند؛ ولی پاسخ آن سؤال خبرنگار این بود که هیچ نگرانی در من وجود ندارد. این جمله امام حجرتنا علیه السلام خیلی شباهت دارد به جمله امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی فرق ایشان شکافته شد. ایشان فرمودند: «فزتُ و رب الكعبة». در آن زمان همه انتظار داشتند او ناله کند و شکوه داشته باشد؛ ولی حضرت جمله‌ای شادمانه گفت. یا خیلی شباهت دارد به جمله حضرت زینب علیها السلام که فرمودند: «ما رأيتُ إلا جميلاً». امام سجاد علیه السلام درباره حضرت زینب علیها السلام فرمود در تمام طول سفر هیچ شبی نمازشب عمه‌ام، زینب علیها السلام تعطیل نشد. خروجی آن نماز شب‌ها این شد که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و بعد از آن

همه مصائب روز عاشورا، وقتی ابن زیاد گفت دیدی خدا با برادر تو چه کرد، ایشان فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً». ما هرچه دیدیم، خوبی دیدیم. چشمان تو توان فهم خوبی‌ها و دیدن زیبایی‌ها را ندارد. اصلاً چشم تو برای دیدن زیبایی‌ها آفریده نشده است. تو فقط زشتی‌ها را می‌توانی ببینی، برای اینکه از جنس شیطان و تباهی و سیاهی هستی. این نیاز ما به نماز شب است.

مقدمات دستیابی به توفیق اقامه نماز شب

برای دستیابی به توفیق نماز شب باید روزها، ماه‌ها و سال‌ها به خدا التماس کنیم که خدایا این توفیق را به ما عنایت کن. همچنین باید مواظب باشیم؛ مواظب لقمه‌ای که می‌خوریم، سخنی که می‌گوییم و رفتاری که با دیگران داریم. باید همه این ویژگی‌ها را داشته باشیم





و البته قدر نماز شب را هم بدانیم. وقتی بدانیم اهمیت نماز شب فوق العاده است، خود به خود هیچ کس نمی خواهد منفعت فوق العاده‌ای را از دست بدهد. خیلی وقت‌ها که این فایده را از دست می دهیم، برای این است که نمی دانیم چقدر قیمت دارد و چقدر می ارزد. گاهی برای کارهای دنیایی خود باید نصفه شب بلند شویم؛ مثلاً برای مسافرت. در این صورت خواب از سرمان می رود و اگر نصفه شب هم باشد، حرکت می کنیم. به خاطر اینکه قدر آن مطلب را می دانیم، مثلاً می خواهیم در فلان رشته‌ای که به آن علاقه داریم، اسم نویسی کنیم و دانشگاه در شهر دیگری است. لازمه آن، این است که نصفه شب بیدار شویم، بی خوابی بکشیم و سختی سفر را تحمل کنیم. چون می دانیم این مقصد مهم است، همه این کارها را می کنیم. مقصد نماز شب هم مقصد مهمی و بسیار

گران قیمتی است. وقتی که گرانی قیمت این پدیده الهی و آسمانی شب را شناختیم، بیشتر برای آن انگیزه پیدا می‌کنیم. گفته‌اند اگر می‌خواهید نمازشبتان پا بگیرد، هرگاه نتوانستید شب به جا بیاورید، در روز قضای آن را به جا بیاورید. وقتی یک مدت در طول روز (روز هم وقت زیاد است، هر وقت روز) قضای نمازشب را به جا آوردیم، کم‌کم تصمیم می‌گیریم که همان در طول شب نمازمان را ادا کنیم.

وجه اشتراک قرآن کریم و قرآن ناطق (اهل بیت علیهم السلام)

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾

اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده



می دیدی و این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند (حشر: ۲۱).

امامِ معصومِ قرآن ناطق است. امیرالمؤمنین علیه السلام قرآن ناطق است. هنگامی که سهل بن حنیف انصاری که یکی از دوستان امام علیه السلام بود، پس از بازگشت از صفین، در کوفه وفات کرد، امام درباره او فرمود: «لَوْ أَحَبَّنِي جَبَلٌ لَتَهَافَتَ». اگر کوهی هم مرا دوست بدارد، فروریزد (کلمات قصار: ۱۱۱).

اگر محبت و ولایت من به کوه اصابت کند، آن کوه متلاشی می‌شود. قرآن ناطق این را می‌گوید. قرآن کریم هم که می‌گوید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ». وجه اشتراک این دو قرآن چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی فرمود: «لَوْ أُلْقِيَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى الْجِبَالِ لَقَلَقَلَتْهَا». اگر حکمت بر کوه‌ها افکنده شود، آن‌ها را به جنبش درآورد (بحار الأنوار: جلد ۷۸).

هم امیرالمؤمنین هم محبت و ولایت ایشان و هم قرآن و آیات قرآن کریم همان حکمت هستند که اگر بر کوه‌ها اصابت کنند، کوه‌ها باید متلاشی شوند. دلیل آن هم این است که همه عالم هستی که دنیا محسوب می‌شود، متاع قلیل است.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾
[خدا] به هرکس که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هرکس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد (بقره: ۲۶۹).

این قرآن و امام معصوم حکمت هستند. اگر حکمت قرآن، حکمت ولایت و حکمت امامت بر کوه‌ها اصابت کند، کوه‌ها کوچک‌تر از آن هستند که بتوانند تحمل کنند؛ اما انسان «ولقد کررنا بنی آدم» است:





﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (اسراء: ۷۰).

قرآن هم قرآن کریم است و ائمه هم ائمه کرام هستند. این‌ها باهم خویشاوندی دارند، همدیگر را خوب می‌پذیرند و تشنه همدیگر هستند.

برخورد قرآن کریم با قلب مؤمن و منافق

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ
لِّلْمُؤْمِنِينَ ۖ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾
و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت

است، از قرآن نازل می‌کنیم؛ و [لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید (اسراء: ۸۲).

یعنی همه این برکات در سرزمین قلب‌های مؤمنانه تأثیر می‌گذارد. این بذراگر در سرزمین دل‌های مؤمن بنشینند، جوانه می‌زند، رشد می‌کند و شجره طیبه می‌شود: ﴿لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ (ابراهیم: ۲۴)

اما اگر همین در یک دل بیمار یا ظالم قرار بگیرد، غیر از اینکه برای او خسارت بیاورد، نتیجه‌ای نخواهد داشت. اگر دو تا درخت داشته باشیم که یکی ریشه‌های آن پوسیده و برگ‌های آن هم پژمرده است. دیگری ریشه‌های آن سالم است؛ ولی از بی‌آبی و تشنگی برگ‌های آن

پژمرده است. اگر جوی آب را پای این دو درخت بیاوریم، آن که ریشه‌های آن سالم است ولی از تشنگی پژمرده شده، زنده و شاداب می‌شود و رشد آن شروع می‌شود؛ اما آن که ریشه‌های آن پوسیده است، یعنی بیمار است، هرچه بیشتر به آن‌ها آب بدهیم، بر پوسیدگی‌شان افزوده می‌شود. قرآن منافقین را مثال می‌زند:

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾

درد دل‌هایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود؛ و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت (بقره: ۱۰).

لذا این مایع حیات‌بخش قرآنی برای مؤمنان رشد و بالندگی و حیات معنوی به بار می‌آورد؛ اما کسانی که بیمار هستند از قرآن هم سوءاستفاده می‌کنند. ملاحظه کنید که

بسیاری از معاندین با اسلام، با آیات قرآن به ستیز برمی‌خیزند. آیه را خوانده است؛ ولی آن آیه جز خسارت بر او نیفزوده است. قرآن را علیه قرآن و اسلام را علیه اسلام به کار می‌گیرد. این همان است که قرآن می‌فرماید: «و لا یزید الظالمین إلا خساراً». این فرد، ظالم است. ظالم به معنای اینکه مشرک و ستمکار است و حق دیگران را نادیده گرفته است؛ ظالم با همه معانی آن. کسی که با «ظلم» در معرض قرآن بیاید، قرآن دست رد به سینه نامحرم می‌زند.

فرصت زندگی دوباره برای چهار گروه

حدیثی نورانی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که راویان این حدیث هم ائمه علیهم السلام هستند. امام باقر علیه السلام از پدرشان نقل کردند تا رسیدند به امیرالمؤمنین علیه السلام. آن حضرت از رسول خدا نقل کرده است: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اربعة

یستائفون العمل المریض اذا برىء و المشرک
اذا اسلم و الحاج اذا فرغ و المنصرف من
الجمعة» (بحار الانوار، جزء ۷۸، ص ۱۸۷)
چهار گروه هستند که خوشابه حال آنها،
می‌توانند زندگی را از نو آغاز کنند. یعنی پاک
می‌شوند، تمام بدی‌هایشان می‌ریزد و از نو
شروع می‌کنند. دیگر سنگینی ذنب و گناه و وزر
و وبال معصیت آنها را آزار نمی‌دهد و زمین‌گیر
نمی‌کند. آنها را از پرواز و حرکت و از عزت و
اعتلا باز نمی‌دارد.

گروه اول: «المريض إذا برأ»

یکی از آن چهار گروه، مریض است وقتی
که درمان می‌شود و سالم می‌شود. هرچه
گناه کرده است، می‌ریزد. البته حق الناس،
بدهکاری و نماز قضا از گردن انسان برداشته
نمی‌شود؛ ولی همه چیزهایی که او را زمین‌گیر
کرده است و باید کلی نگران آنها باشد (غیر



از این موارد مشخص حق الناس و امثال آن) از زندگی او پاک می‌شود.

گروه دوم: «والمشرك إذا أسلم»

کسی که تابه حال مسلمان نبوده و مشرک بوده است و الآن با گفتن «لا إله إلا الله محمد رسول الله و علی ولی الله» مؤمن شد؛ او هم تاکنون هرچه گناه داشت، از او دور می‌شود و پاک می‌شود.

گروه سوم: «و الحاج إذا قضا حجه»

حاجی وقتی که مناسک حج خودش را تمام می‌کند. همه کسانی که حج و مخصوصاً حج تمتع را تجربه کرده‌اند، این را به خوبی حس می‌کنند. وقتی اعمالشان را یکی پس از دیگری، به خوبی انجام می‌دهند، آرامش و صف‌ناپذیری پیدا می‌کنند. گویا همه عالم برای اعمال آنها چراغانی شده و جشن است. این آرامش را در آنجا حس می‌کنند.

گروه چهارم: «و المنصرف من الجمعة إيماناً واحتساباً»

کسی که در نماز جمعه شرکت می‌کند و هوشمندانه و با آگاهی و توجه به نماز جمعه می‌آید، موقعی که از نماز جمعه برمی‌گردد، احساس آرامش می‌کند (منصرف یعنی موقعی که می‌خواهد برگردد). همین طور هم هست. الآن عزیزان نمازگزار جمعه خاطراتشان را مرور می‌کنند. همه ما پس از نماز جمعه حالت آرامش خاصی داشتیم؛ همان برکت الهی که روزی دل‌ها می‌شود.

مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی

موضوعی که در کلمات رهبر انقلاب هم مطرح شده است، «عدالت‌خواهی» و «عدالت‌خواهان» است. معلوم می‌شود که مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی بسیار مهم است



و باید مرسوم شود و به آن باید اهمیت داده شود. اگر صدایی به عدالت بلند شد، باید صاحب آن صدا را تشویق کنند، نه اینکه تحقیر کنند و بترسانند. باید دید که عدالت خواهان چه کسانی هستند. جوان ترها معمولاً پرچم عدالت را بی دغدغه، بی واهمه، بی ترس و بی ملاحظه بلند می کنند؛ اما همین جوانان عزیز ما باید بدانند که این طور نیست که بگوییم چند تا جوان، عدالت خواه هستند و بقیه که آن طرف قصه قرار می گیرند، همگی مقابل این ها ایستاده اند. وقتی از عدالت صحبت می کنیم، می گوییم دستگاه قضا مهم ترین کانون عدالت خواهی است. ممکن است کسی بگوید در همین دستگاه هم یک نفر خلاف کرد. اگر یک نفر خلافی کرد، به این معنا نیست که دستگاه قضا در مقابل عدالت باشد. ما باید این را بدانیم و جوانان



عدالت خواه ما هم باید به این موضوع توجه داشته باشند که دستگاه قضا برای اقامهٔ عدل است. سپاه پاسداران، نیروهای بسیجی، دستگاه‌های اطلاعاتی و سربازان گمنام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سرداران عدالت خواهی هستند. روحانیان و امامان جمعه و جماعت نیز پیش‌کسوتان و پرچم‌داران عدالت خواهی بودند. همهٔ مردم ما عدالت را دوست دارند و به دنبال عدالت هستند. حواسمان باشد که شیاطین در صفوف همهٔ عدالت خواهان ما (که همهٔ ما باید باشیم) تفرقه ایجاد نکنند. بعضی وقت‌ها شب‌نامه‌هایی منتشر می‌شود یا شیطنت‌های رسانه‌ای صورت می‌گیرد و همین نهادهای عدالت خواه را مقابل همدیگر قرار می‌دهد. این، خودش ظلم و نفاق است. مگر می‌شود عدالت خواهان همدیگر را بزنند؟ دستان عدالت خواهان در دست همدیگر قرار

می‌گیرد و مشیت محکمی می‌شود بر دهان
یاوه‌گویان و دشمنان بیرونی و منافقان داخلی.

تکیه بر ستمگران ممنوع

نکته دیگری که باید عرض کنم این است که با
رفتن «ترامپ» هیچ اتفاقی نیفتاده است که
فکر کنیم آمریکای تاریک و سیاه، حالا روشن و
زیبا شد.

بعضی غرب‌زده‌ها، یا بهتر است بگویم
غرب‌پرست‌ها با رفتن ترامپ نفس راحت
می‌کشند. تابه حال تکیه آن‌ها روی همین
ترامپ بود. یعنی تا ترامپ بود، همین‌ها
او را می‌خواستند و دنبال مذاکره با او هم
بودند. حالا که او رفته است، تکیه و سنگینی
خودشان را روی «بایدن» می‌اندازند. در حالی
که قرآن فرموده است:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا

لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿١١٣﴾
و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید
که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا
برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام
یاری نخواهید شد (هود: ۱۱۳).
به ستمگران تکیه نکنید که آتش می‌گیرید!
آقایانی که به ترامپ تکیه کردید، آبروی‌تان
آتش گرفت و حیثیتتان سوخت. ملتی را به
فقر و گرفتاری کشانید. این غلط را تکرار
نکنید. زشتی، تباهی و سیاهی آمریکا با رفتن
«جمهوری خواهان» و آمدن «دموکرات‌ها» یا
برعکس، تغییری نمی‌کند. این کانون ظلم و
فساد و کانون تفرعن و استکبار، در حال افول
است. ارزش آن را ندارد که کسی فکر کند، آمریکا
می‌تواند مشکل دیگران را حل کند. آمریکا اگر
می‌توانست مشکلی را حل کند، اول مشکل
خودش را حل می‌کرد.



سالگرد قرارداد ننگین کمپ دیوید

این ایام سالگرد قرارداد ننگین کمپ دیوید است. یعنی کشور مصر که در خط مقدم مبارزه با صهیونیست‌ها بود، با صهیونیست‌ها قرارداد بست. الآن مصر را با ایران مقایسه کنید و ببینید چقدر دچار بیچارگی و عقب‌ماندگی شدند. دانشمندان مصری هم این را بیان می‌کنند.

والحمد لله رب العالمین...





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران